



همسفران قله سپید

alireza yousefipour



صبح زود، آرش کوله‌پشتی کوهنوردی‌اش را برداشت و با دیدن
انه‌های نرم برف که از آسمان می‌بارید، لبخندی زد. او دلش می‌خواست
سکوت و زیبایی باشکوه کوهستان زمستانی را از نزدیک لمس کند. پس
بند پوتین‌هایش را محکم بست و با انگیزه‌ای فراوان قدم در مسیر
کوهستانی گذاشت.



با گام‌های استوار، آرش ردهای عمیقی بر برف‌های تازه می‌گذاشت
هوای سرد و شفاف زمستانی ریه‌هایش را پر می‌کرد و همه‌جا غرق در
کوتی سپید و آرامش‌بخش بود. درختان کاج زیر پوششی سنگین از برف
سپید خوابیده بودند و منظره‌ای شگفت‌انگیز ساخته بودند.



مین‌طور که آرش به بالادست کوه نزدیک می‌شد، مه رقیقی گردنه را پوشاند. ناگهان او در میان برف‌ها، ردپاهای تازه‌ای غیر از ردپاهای خود دید. آرش متوجه شد که کوهنورد دیگری نیز در این روز برفی تصمیم به صعود گرفته است.



کمی بالاتر، آرش کوهنورد دیگری را دید که برای استراحت کنار
سخره‌ای بزرگ ایستاده بود. کوهنورد ناشناس با لبخند و دست تکان دادن
به آرش نزدیک شد. نام او کاوه بود و او هم عاشق ماجراجویی در دل
طبیعت برفی بود.



آرش و کاوه کنار هم نشستند و لیوانی چای داغ و بخارکرده از فلاسک نوشیدند. آنها نقشه کوهستان را روی برف باز کردند و مسیر صعود به قله را با دقت بررسی نمودند. اشتیاق مشترک برای رسیدن به هدف، دوستی تازه‌ای میان آن دو شکل داد.



آنها تصمیم گرفتند باقی مسیر سخت را با هم و به عنوان یک تیم
امه دهند. حرکت در کنار یکدیگر نه تنها صعود را آسان‌تر می‌کرد، بلکه
امنیت و دلگرمی بیشتری در میان سرمای کوهستان به همراه داشت
صدای گام‌های هماهنگ‌شان در کوهستان می‌پیچید.



باد زمستانی وزیدن گرفت و شیب کوه هر لحظه تندتر و لغزنده‌تر می‌شد. آرش و کاوه با طناب کوهنوردی به یکدیگر متصل شدند تا در مخره‌های یخ‌زده هواخواه و مراقب هم باشند. هر گام به سمت بالا نیاز به دقت، تعادل و تمرکز بالایی داشت.



نقطه‌ای دشوار از صعود، پای آرش روی یخ لیز خورد، اما کاوه با سرعت و مهارت طناب را محکم گرفت و مانع افتادن او شد. آنها با اعتماد کامل به یکدیگر و روحیه تیمی، سختی‌های مسیر را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتند.



سرانجام با تلاش و پشتکار فراوان، آنها به گردنه نهایی رسیدند و پرچم قله از دور نمایان شد. آفتاب زمستانی از میان ابرها بیرون آمد و مسیر طلایی صعود را روشن ساخت. شادمانی عمیقی وجود هر دو کوهنورد را فرا گرفت.



آرش و کاوه دست در دست هم بر فراز قله برفی ایستادند و به
منظره بی‌نظیر و پهن‌آور زیر پایشان خیره شدند. آنها دریافتند که
زرگ‌ترین و زیباترین صعودها، آن‌هایی هستند که با همراهی، دوستی و
همدلی فتح می‌شوند.